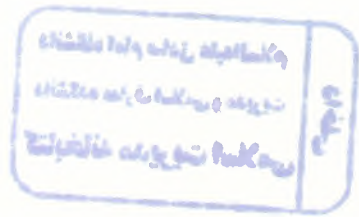


حکومت و حکومت در محج البلاغه

مصطفی‌شاه تهرانی



انتشارات دریا

تهران، خیابان دکتر شریعتی، پل رومی، خیابان قیصریه،
نرسیده به بلوار کاوه، شماره ۹۸، تلفن: ۲۲۶۷۰۲۳۳

حکومت حکمت

حکومت در نهج البلاغه

(ویراست دوم)

مؤلف: مصطفی دلشاد تهرانی

حروفچینی: محمد ملک‌زاده • طراحی جلد: حسین صمدزاده

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سنا

نوبت چاپ: چاپ پنجم؛ چاپ اول ناشر، پاییز ۱۳۷۹ • چاپ دوم ناشر، زمستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۳۶-۹۲۷۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-9275-36-9

دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۳۴ -)

حکومت حکمت: حکومت در نهج البلاغه / مصطفی دلشاد تهرانی. تهران: دریا، ۱۳۷۹.
ص. ۲۰۶

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

سه چاپ قبلی: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸.

کتابنامه: ص [۱۹۵] - ۲۰۶.

۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - سیاست.

۲. اسلام و دولت

الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۱۵

۹۸۸۰ - ۷۷ م

BP ۳۸/۰۹/۰۹

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
جایگاه نهج البلاغه	۱۱
مؤلف نهج البلاغه	۱۲
چرایی و چگونگی تألیف نهج البلاغه	۱۴
انگیزه تألیف نهج البلاغه	۱۵
تبویب نهج البلاغه	۱۶
کمیت نهج البلاغه	۱۷
وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف	۱۹
کتابی شگفت	۲۰
روشهای مرور و مطالعه نهج البلاغه	۲۳
روش ترتیبی	۲۳
روش تجزیه‌ای	۲۵
روش موضوعی	۲۵
دیباچه	۲۷
جایگاه حکومت حکمت	۲۹

۳۰	بهترین مقتضای تربیت
۳۱	حکومتِ حکمت، و حکومتِ جهالت و ضلالت
۳۵	حکومتِ حکمت
۳۷	مفهوم حکومت
۳۹	جایگاه مفهوم حکومت
۴۰	مفهوم حکومت در نهج البلاغه
۴۲	تأکید بر فهم درست از حکومت و خطر فهم نادرست از حکومت
۴۷	تبیین فهم حکومت
۵۳	ضرورت حکومت
۵۵	جایگاه ضرورت حکومت
۵۸	ضرورت حکومت بر مبنای ماهیت حکومت
۶۳	حَقِّ حاکمیت
۶۵	خاستگاه حکومت
۶۷	بی‌معنایی حکومت، بدون خواست و رضایت مردم
۷۵	حَقِّ حکومت
۷۷	جایگاه حَقِّ حکومت
۸۰	راه تحقق حَقِّ حکومت
۸۳	هدف یا وسیله
۸۵	هدف یا وسیله بودن حکومت
۸۶	اندیشه و سیرهٔ امام علی (ع) دربارهٔ وسیله بودن حکومت
۹۱	اهداف حکومت
۹۳	هدف‌گذاری حکومت
۹۳	عدالت
۹۹	امنیت
۱۱۲	رفاهت
۱۱۷	تربیت
۱۲۱	نقش مردم در حکومت

۱۲۳	تلقی‌ها از نقش مردم در حکومت
۱۲۴	گستره نقش مردم در حکومت
۱۳۵	رابطه زمامداران و مردمان
۱۳۷	نوع رابطه زمامداران و مردمان
۱۳۸	رابطه دو ذی‌حق
۱۴۹	شروط زمامداری
۱۵۱	شروط احراز زمامداری
۱۵۲	درایت
۱۵۴	معرفت
۱۵۸	عدالت
۱۶۱	قوت
۱۶۵	سلامت
۱۷۱	سلوک زمامداران
۱۷۳	جایگاه سلوک زمامداران
۱۷۳	سلوک شخصی
۱۷۸	سلوک اجتماعی
۱۸۲	سلوک سیاسی
۱۸۹	نماینه
۱۹۵	منابع و مآخذ

جایگاه نهج البلاغه

نهج البلاغه، بی تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. این کتاب مجموعه‌ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (ص) است.

نهج البلاغه، شفای دردهای روحی بشر و راز هدایت اجتماعی و سیاسی است. این کتاب، منشور انسان‌سازی، و دریچه‌ای به نور، و راهی از مُلک تا ملکوت است. نهج البلاغه، مکتوب مبارزه با بیدادگری و زراندوزی و بت‌پروری است؛ و راه برپایی حدود الهی و افق ارزشهای آرمانی است.

نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه، و آموزگار کفرستیزی و فقرستیزی است؛ و نه تنها راه روشن بلاغت (نهج البلاغه) که راه روشن هدایت است.

نهج البلاغه، پُرکننده خلأهای عمیق فکری، اجتماعی و سیاسی، و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمان‌ها و در تمام مکان‌هاست.

نهج البلاغه، دریای معرفت بی‌انتها و نور هدایت بدون خاموشی است؛ و دستورالعملی برای سیادت این جهانی و سعادت آن جهانی است. امام خمینی در توصیف جایگاه این کتاب شریف فرموده است:

«کتاب نهج البلاغه که نازلۀ روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر

منیت و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه‌ها به وجود آید و ملت‌ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند و غرق شوند.^۱

مؤلف نهج البلاغه

مؤلف نهج البلاغه ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به «سید رضی» و «شریف رضی» است. وی در سال ۳۵۹ هجری، دیده به جهان گشود و در سال ۴۰۶ هجری، دیده بر جهان فرو بست. سید رضی هم از جانب پدر و هم از جانب مادر نسبی بس شریف داشت. از سوی پدر با پنج واسطه به امام هفتم موسی بن جعفر (ع) و از سوی مادر با شش واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین (ع) می‌رسید.^۲ از این رو بهاءالدوله دیلمی او را به «ذی الحسین» و «شریف رضی» ملقب نمود.^۳

۱. امام روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱-۱۳۷۱ ش. ج ۱۴، ص ۲۲۴ [بخشی از پیام امام خمینی به مناسبت برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰].

۲. أبو منصور عبد الملك بن محمد بن اسماعیل الثعالبی، یتیمه الذهر فی محاسن أهل العصر، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحه، الطبعة الثانية، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ج ۳، ص ۱۵۵؛ جمال‌الدین احمد بن علی الحسینی المعروف بابن عنبه، عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب، اشرف علی مراجعته و مقابلة الاصول لجنة احياء التراث، دار مكتبة الحياة، بیروت، ص ۲۳۶.

۳. نک: أبو بکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، دار الكتب العلمية، بیروت، ج ۲، ص ۲۴۶؛ أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، دراسة و تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفى عبدالقادر عطا، راجعه و صححه نعيم زرزور، الطبعة الاولى، دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۲ ق. ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البداية و النهایة، تحقیق علی شیری، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربی، بیروت، ج ۱۲، ص ۴؛ محمدباقر الخوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، الطبعة الاولى، الدار الاسلامية، بیروت،

سید رضی از اوان کودکی همراه برادرش سید مرتضی به تحصیل علوم مقدّماتی پرداخت و هوش سرشار و استعداد کم‌نظیر خود را در عرصه‌های مختلف ظاهر ساخت. بیش از ده سال از سنّ شریف رضی نگذشته بود که به سرودن شعر پرداخت و چنان قریحه‌ای از خود نشان داد که سابقه نداشت. هنوز بیستمین بهار زندگی را پشت سر نگذاشته بود که در تمام معارف و علوم اسلامی سرآمد همگان گشت، و در سرودن شعر به مقامی دست یافت که هیچ‌کس بدان مرتبه راه نیافت.

سید رضی در عزّت نفس و بلندنظری، سخاوت و بخشنده‌گی، پابندی به امور شرعی، پرهیز از تملّق و چاپلوسی، پارسایی و پروا پیشگی در روزگار خود مانند نداشت. روح آزادگی در شریف رضی چنان جلوه داشت که با ابواسحاق صابی^۱ غیرمسلمان رابطه‌ای صمیمی داشت و میان آن دو مراودات و مراسلات علمی و ادبی برقرار بود؛ و چون او درگذشت، سید رضی در قصیده‌ای عالی و بسیار حزن‌انگیز او را مرثیه گفت.^۲ برخی از این مرثیه‌سرایی برآشفتمند و سید رضی را سرزنش کردند که شخصی چون او، از دودمان پیامبر، کسی چون ابواسحاق صابی کافر را مرثیه می‌گوید و از فقدان او چنین

۱۴۱۱ ق. ج ۶، ص ۱۷۸؛ کارل بروکلمان، *تاریخ الادب العربی*، نقله الی العربیة عبدالحلیم النجار، الطبعة الثانیة، افست دار الکتب الاسلامی، قم، ج ۲، ص ۶۲.

۱. ابواسحاق ابراهیم بن هلال حرّانی از ادیبان و کاتبان برجسته قرن پنجم هجری بوده است. وی در نویسندگی و انشا مقامی بلند داشت و او را در شمار ابن عمید آورده‌اند. ابواسحاق بر آیین صابئین (پیروان حضرت یحیی) بود و بر آیین خود تعصّب می‌ورزید. ر.ک: محمد بن اسحاق النذیم، *الفهرست*، طبع تجدد، تهران، ۱۳۹۳ ق. ص ۱۴۹؛ *یتیمه الدهر*، ج ۲، صص ۲۸۷-۳۶۸؛ شهاب‌الدین أبوعبدالله یاقوت الحموی، *معجم الادباء*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، صص ۲۰-۹۴؛ شمس‌الدین أبوالعبّاس احمد بن محمد بن خلّکان، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، تحقیق احسان عبّاس، دار الثقافة، بیروت، ج ۱، صص ۵۲-۵۴؛ عبّاس بن محمدرضا القمّی، *الکنى واللقاب*، المطبعة الحیدریة، النجف، ۱۳۷۶ ق. ج ۲، صص ۳۶۶-۳۶۸؛ زکی مبارک، *النشر الفنی فی القرن الرابع*، الطبعة الثانیة، مکتبة السعادة، القاهرة، ج ۲، صص ۲۹۰-۲۹۵.

۲. نک: أبوالحسن محمد بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، *دیوان الشریف الرضی*، الطبعة الاولى، وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۶ ق. ج ۱، صص ۳۸۱-۳۸۵.

می‌نالد! و سید رضی پاسخ داد که من فضل و کمال او را ستوده‌ام، نه جسم و بدن او را.^۱
 ثعالبی ادیب معاصر با سید رضی، درگذشته به سال ۴۲۹ هجری، دربارهٔ او چنین می‌نویسد:

«او اینک نابغهٔ دوران، و نجیب‌ترین بزرگان عراق، و در عین شرافت نسب و افتخار حسب، مزین به ادبی نمایان و فضلی تابان و بهره‌ای وافر از تمام خوبی‌ها و نیکویی‌هاست. از این گذشته او سرآمد شاعرانی است که از دودمان ابوطالب برخاسته‌اند، چه گذشتگان و چه معاصران. و اگر بگویم او سرآمد شاعران قریش است، گزافه نگفته‌ام که گواه صادق آن اشعار اوست که این ادعا را می‌توان با مراجعه بدانها دریافت؛ اشعاری عالی و استوار، خالی از سستی و عوار، که در عین روانی و سلاست، محکم است و با متانت، دارای معانی نغز و بلند، و چونان میوهٔ رسیده و با طراوت.»^۲
 سید رضی با وجود گرفتاریهای بسیار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و علی‌رغم مشاغل مهم و حساس و وقت‌گیری همچون نقابت طالبیان و امارت حج و نظارت دیوان مظالم،^۳ در عمر چهل و هفت سالهٔ خویش آثاری بس مهم برجای گذاشته است که هر یک در نوع خود ممتاز و حائز اهمیتی بسیار است که البته برخی از آن‌ها به جای مانده و بسیاری از آن‌ها از میان رفته است و جز نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده است. در بین آثار شریف رضی نهج‌البلاغه مهمترین و برجسته‌ترین آن‌هاست که هیچ کتابی پس از قرآن کریم به والایی و شیوایی، و گرانمایگی و جاودانگی آن نمی‌رسد و سید رضی آن را در سال ۴۰۰ هجری، شش سال پیش از وفاتش تألیف کرده است.

چرایی و چگونگی تألیف نهج‌البلاغه

نهج‌البلاغه عنوانی است که سید رضی برای منتخبی از خطبه‌ها و مواعظ، نامه‌ها و عهدنامه‌ها، و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی (ع) برگزیده است،^۴ و این کتاب در

۱. الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲. یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۱۵۵.

۳. ن.ک: یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۱۵۵؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۷.

۴. السید عبدالزهراء الحسینی الخطیب، مصادر نهج‌البلاغه و أسانیده، الطبعة الثانية، مؤسسة

فرهنگ اسلامی مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد، و صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت‌های عالی است.^۱ برای آشنا شدن با چرایی و چگونگی تألیف این اثر جاودان لازم است به انگیزه تألیف، تبویب، کمیت، وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف اشاره شود که در ذیل بدان می‌پردازیم.

انگیزه تألیف نهج البلاغه

این‌که چه عاملی سبب شد شریف رضی به تألیف نهج البلاغه برانگیخته شود و چنین اثری به وجود آید از امور مهم در شناخت این کتاب بی‌نظیر است. شریف رضی خود در مقدمه‌ای که بر نهج البلاغه آورده، انگیزه جمع‌آوری و تألیف خویش را چنین بیان کرده است:

«در آغاز جوانی و طراوت زندگانی به تألیف کتابی در خصایص و ویژگیهای ائمه (ع) دست زدم که مشتمل بر خبرهای جالب و سخنان برجسته آنان بود. انگیزه این عمل را در آغاز آن کتاب یادآور شده‌ام و آن را آغاز سخن قرار داده‌ام.^۲

پس از گردآوری خصایص امیرمؤمنان (ع) موانع ایّام و گرفتاری‌های روزگار مرا از تمام کردن باقی کتاب بازداشت. آن کتاب را به باب‌ها و فصل‌هایی مختلف تقسیم کرده بودم و در پایان آن فصلی بود که سخنان کوتاه امام (ع) در زمینه مواعظ و حکم و امثال و آداب نقل شده از او را - به جز خطبه‌های بلند و نامه‌های مفصل - در آن فصل آورده بودم. گروهی از دوستان، این فصل را پسندیدند و از نکات بی‌نظیر آن دچار شگفتی شدند و از من خواستند کتابی تألیف کنم که سخنان برگزیده امام در همه رشته‌ها و شاخه‌های گفتارش، از خطبه‌های آن حضرت گرفته تا نامه‌ها و مواعظ و ادبش را در برداشته باشد، زیرا می‌دانستند این کتاب، دربردارنده شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و

الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵ ق. ج ۱، ص ۸۷.

۱. سید هبة الدین شهرستانی، در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه سید عباس میرزاده اهری، چاپ سوم،

بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹ ش. ص ۱۹.

۲. ر. ک: أبو الحسن محمد بن الحسين الموسوی (الشریف الرضی)، خصائص أمير المؤمنين علی بن

أبی طالب علیه السلام، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۳ ش. صص ۱-۴.

گوهرهای ادبیات عربی و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگشته است، زیرا تنها امیرمؤمنان (ع) است که سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشأ و آفریدگار بلاغت است؛ گوهرهای نهفته‌اش به وسیله او آشکار گردیده و آیین و آدابش از او گرفته شده است. تمام خطیبان و سخنوران به او اقتدا کرده و همه واعظان بلیغ از سخن او استمداد جسته‌اند. با وجود این، او همیشه پیشرو است و آنان دنباله‌رو، او مقدم است و آنان مؤخر، زیرا سخنان آن حضرت رنگ علم الهی و عطر سخنان پیامبر را به همراه دارد.

از این رو خواسته آنان را اجابت کردم و این کار بزرگ را آغاز نمودم، در حالی که یقین داشتم سود و نفع معنوی آن بسیار است و به زودی همه جا را تحت سیطره خود قرار خواهد داد و اجر آن ذخیره آخرت خواهد بود؛ و بدین وسیله خواستم علاوه بر فضایل بی‌شمار دیگر، بزرگی قدر و شخصیت امیرمؤمنان (ع) را در فضیلت سخنوری نیز آشکار سازم، زیرا او تنها فردی است که از میان تمام گذشتگان که سخنی از ایشان به جا مانده، به آخرین مرحله فصاحت و بلاغت رسیده است. اما سخنان آن حضرت اقیانوسی است بی‌کرانه و انبوه گوهرهایی که هرگز درخشش آن کاستی نگردد.^۱

شریف رضی با چنین انگیزه و جهتگیری دست به کار شد و به گزینش و باب‌بندی گوهرهای کلام امیرمؤمنان (ع) پرداخت.

تبویب نهج البلاغه

سید رضی سخنان امیرمؤمنان (ع) را از میان کتاب‌های گوناگون استخراج کرده و با سبکی دلپذیر و مطلوب تنظیم نموده است. خود درباره نحوه باب‌بندی و تقسیم‌بندی مطالب آن چنین نوشته است:

«دیدم سخنان آن حضرت بر گرد سه محور می‌گردد، نخست: خطبه‌ها و فرمان‌ها، دوم: نامه‌ها و پیغام‌ها، و سوم: کلمات حکمت‌آمیز و موعظه‌ها. پس به توفیق الهی ابتدا خطبه‌های شگفت، و سپس نامه‌های زیبا و سرانجام حکمت‌ها و کلمات جالب را

۱. أبو الحسن محمد بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، نهج البلاغه، ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیة صبحی الصالح، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۳۸۷ ق. مقدّمه الشریف الرضی، صص ۳۳-۳۴.

انتخاب کردم، و هر یک را در باب مستقل قرار دادم ... و هرگاه سخنی از آن حضرت در مورد بحث و مناظره یا پاسخ سؤال و یا منظوری دیگر بود که به آن دست یافتم ولی جزء هیچ یک از این سه بخش نبود، آن را در مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین باب قرار دادم. چه بسا قسمت‌هایی نامتناسب در این برگزیده سخنان آمده باشد، زیرا من در این کتاب نکته‌های شگفت و قطعه‌های درخشان را برگزیده‌ام و قصدم هماهنگی و نظم تاریخی و پیوستگی میان سخنان نبوده است.^۱

بدین ترتیب سید رضی از سخنان امیرمؤمنان (ع) گزینشی زیبا و هنرمندانه صورت داد و با تبویبی جالب و مفید آن‌ها را مرتب نمود.

کمیت نهج البلاغه

شریف رضی در این گزینش شگفت از کلام امیربیان علی (ع)، تعداد ۲۴۱ خطبه و کلام، ۷۹ نامه و مکتوب و ۴۸۹ حکمت و موعظه را برگزیده است،^۲ و چنان‌که خود اشاره کرده، آن‌چه در این مجموعه گرد آورده است، منتخب و گزیده‌ای از سخنان و مکتوبات امیرمؤمنان (ع) است، نه همه آن‌چه از آن حضرت در کتاب‌ها موجود بوده است. وی در مقدمه نهج البلاغه چنین توضیح داده است:

«ادّعا نمی‌کنم که من به همه جوانب سخنان امام (ع) احاطه پیدا کرده، به طوری که هیچ یک از سخنان آن حضرت را از دست نداده باشم، بلکه بعید نمی‌دانم که آن‌چه نیافته‌ام بیش از آن باشد که یافته‌ام و آن‌چه در اختیارم قرار گرفته است کم‌تر از آن چیزی

۱. همان، ص ۳۵.

۲. در نسخه‌ها و شروح مختلف نهج البلاغه این تعداد اندکی مختلف است و دلیل آن این است که برخی، یک خطبه و جز آن را دو بخش نموده و گاهی دو خطبه و غیر آن را تحت یک عنوان و شماره ذکر کرده‌اند. همچنین در بخش حکمت‌ها شریف رضی پس از آوردن ۲۶۰ حکمت فصلی از حکمت‌هایی گشوده است که غریب می‌نماید و نیازمند تفسیر است و در این فصل ۹ حکمت را ذکر کرده است و سپس به ادامه بخش حکمت‌هایی پرداخته است که نیازمند تفسیر نیست و با شماره ۲۶۱ به بعد مشخص شده است. از این‌رو آن ۹ حکمت گاهی در شمارش حکمت‌ها از یاد رفته و تعداد حکمت‌ها کم‌تر معرفی شده است.

باشد که به دستم نیامده است.»^۱

یعقوبی، مورّخ برجسته، درگذشته به سال ۲۸۴ هجری، اظهار کرده که مردم چهارصد خطبه از خطبه‌های آن حضرت را به خاطر سپرده‌اند و این خطبه‌ها در میان مردمان متداول است و از آن‌ها در خطبه‌های خویش بهره می‌گیرند.^۲

همچنین مسعودی، مورّخ نامدار، درگذشته به سال ۳۴۶ هجری، نوشته است که آنچه مردمان از خطبه‌های آن حضرت به خاطر سپرده‌اند چهارصد و هشتاد و چند خطبه است که بالبدیهه ایراد می‌کرد و مردم آن را حفظ می‌کردند و می‌نوشتند و از هم می‌گرفتند.^۳

این تعداد خطبه‌ها که خطبه‌های مشهور و متداول بوده است، تقریباً دو برابر آن چیزی است که شریف رضی گزینش کرده است؛ و البته بی‌گمان خطبه‌ها و سخنان و نوشته‌ها و حکمت‌ها و موعظه‌های امام (ع) بسیار بیش از این‌ها بوده است و با توجّه به کتاب‌های مستدرکی که بعدها به ویژه در حال حاضر تألیف شده و آنچه شریف رضی گردآورده و آنچه را گرد نیاورده است در آن مجموعه‌ها جمع کرده‌اند،^۴ می‌توان حدس زد که شریف رضی تقریباً یک دوازدهم از مجموعه سخنان و نوشته‌ها و کلمات قصار امام (ع) را گردآورده و در تألیف بی‌نظیر خود ارائه کرده است.

۱. مقدّمه نهج البلاغة، ص ۳۶.

۲. احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر بن واضح الیعقوبی، مشاکلة الناس لزمانهم، الطبعة الاولى، دار الكتاب الجديد، بیروت، ص ۱۵.

۳. أبو الحسن علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، دار الاندلس، بیروت، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴. آخرین و گرانقدرترین تألیف در این باره، اثری است با عنوان نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، تألیف شیخ محمدباقر محمودی، از عالمان سختکوش معاصر که بالغ بر چهارده مجلد خواهد شد. در انگیزه و صورت این اقدام بزرگ نک: محمدباقر محمودی، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة، الطبعة الاولى، مؤسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، تهران، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۳ ش. ج ۱، مقدّمه، صص ۷-۱۶.

وجه تسمیه و وجه شاخص تألیف

شریف رضی تألیف گرانقدر خود را نهج البلاغه یعنی راه روشن بلاغت نام گذاشته و در وجه تسمیه آن چنین نوشته است:

«پس از تمام شدن کتاب، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم، زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می‌گشاید و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است، و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن هست.»^۱

شریف رضی نامی را برای این کتاب جاودان برگزید که مناسب‌ترین عنوان بود. شیخ محمد عبده در مقدمه‌ای که بر شرح خود بر نهج البلاغه آورده، در این باره چنین نوشته است:

«این کتاب جلیل، مجموعه‌ای است از سخنان سید و مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه که سید شریف رضی (ره) از سخنان متفرق آن حضرت گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است؛ و من اسمی مناسب‌تر و شایسته‌تر از این اسم که دلالت بر معنای آن بکند، سراغ ندارم و بیشتر از آن‌چه این اسم بر آن دلالت دارد، نمی‌توانم آن را توصیف نمایم.»^۲

عنوانی که شریف رضی برای تألیف خویش برگزید، بیانگر وجهی از کلمات امیر بیان علی (ع) بود که او را شیفته و فریفته خود ساخته بود و این وجه نهج البلاغه، وجهی است که به سبب فصاحت والا و بلاغت اعلای کلام، آن را تا عمق جان هر کس نفوذ می‌دهد و حکمت‌ها و معرفت‌های بی‌مانندش را ابلاغ می‌نماید. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«سید رضی شیفته سخنان علی (ع) بوده است. او مردی ادیب و شاعر و سخن‌شناس بود ... سید رضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی (ع) خصوصاً داشته است، بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته است و به همین جهت در انتخاب آن‌ها این خصوصیت را در نظر گرفته

۱. مقدمه نهج البلاغه، ص ۳۶.

۲. محمد عبده، شرح نهج البلاغه، الطبعة الاولى، دار البلاغة، بیروت، ۱۴۰۹ ق. ج ۱، صص ۱۲-۱۳.

است، یعنی آن قسمت‌ها بیشتر نظرش را جلب می‌کرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است؛ و از این‌رو نام مجموعه منتخب خویش را نهج البلاغه نهاده است.^۱

کتابی شگفت

بدین ترتیب کتابی ظهور یافت که جلوه‌ای است از جلوه‌های وجود علی (ع) نسخه یگانه هستی و مظهر همه کمالات الهی. نهج البلاغه کتابی است که در آن والاترین اندیشه‌ها و معرفت‌ها، و نیکوترین سیرت‌ها و سلوک‌ها جلوه یافته و انسان‌ها را راه نموده و هدایت کرده است.

بر کسی پوشیده نیست که امیرمؤمنان (ع) پیشوای فصیحان و سرور بلیغ‌سخن‌گویان است و این‌که سخن او والاترین سخن پس از کلام خداوند و پیامبر اکرم است،^۲ چنان‌که درباره سخن آن حضرت گفته‌اند: «پایین‌تر از سخن خداوند و بالاتر از گفتار همه مخلوقات است.»^۳

علامه سبط ابن جوزی، در گذشته به سال ۶۵۴ هجری، درباره کلام امیرمؤمنان (ع) و شگفتی‌آفرینی آن می‌نویسد:

«علی (ع) به بیانی سخن گفته که سرشار از عصمت است. او با میزان حکمت سخن رانده، سخنی که خداوند بر آن مهابت و شکوه افکنده است. این کلمات به گوش هر کس رسد، او را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. خداوند در سخن گفتن بدو نعمتی ارزانی داشته که توانسته است حلاوت و ملاحات را یک جا گرد آورد، و سحر بیان و زیبایی فصاحت را با هم درآمیزد. نه می‌توان از آن کلمه‌ای اسقاط نمود، و نه با حجت و دلیلی با آن مسابقت داد. سخن‌گویان را به عجز و ناتوانی کشانده و گوی سبقت از همگان ربوده است. کلمات او الفاظی است که نورانیت نبوت بر آن تابیده و آن‌چه از وی صادر شده

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، انتشارات عین الهی، ۱۳۵۸ ش. صص ۴-۵.

۲. مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۳.

۳. عزالدین عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، بتحقیق محمد ابوالفضل

ابراهیم، الطبعة الاولى، دار احیاء الکتب العربیة، مصر، ۱۳۷۸ ق. ج ۱، ص ۲۴.

عقل‌ها و فهم‌ها را متحیر و شگفت زده ساخته است.^۱

نهج‌البلاغه از وجوه گوناگون کتابی شگفت است: الفاظ، جملات، بافت سخن، هندسه بیان، موسیقی کلام، قوّت و استحکام، لطافت و سحر آن، معانی و معارف والا، تأثیرگذاری بر دل‌ها و نفوذ در جان‌ها، و محدود نبودن به یک زمینه خاص. استاد شهید، مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد:

«از امتیازات برجسته سخنان امیرالمؤمنین که به نام نهج‌البلاغه امروز در دست ما است، این است که محدود به زمینه‌ای خاص نیست. علی (ع) به تعبیر خودش تنها در یک میدان اسب تاخته است، در میدان‌های گوناگون که احیاناً بعضی با بعضی متضاد است تکاور بیان را به جولان درآورده است. نهج‌البلاغه شاهکار است، اما نه تنها در یک زمینه، مثلاً: موعظه، یا حماسه، یا فرضاً عشق و غزل، یا مدح و هجاء و غیره، بلکه در زمینه‌های گوناگون.

این‌که سخن شاهکار باشد ولی در یک زمینه، البته زیاد نیست و انگشت‌شمار است، ولی به هر حال هست. این‌که در زمینه‌های گوناگون باشد ولی در حد معمولی نه شاهکار، فراوان است، ولی این‌که سخنی شاهکار باشد و در عین حال محدود به زمینه‌ای خاص نباشد، از مختصات نهج‌البلاغه است. بگذریم از قرآن کریم که داستانی دیگر است؛ کدام شاهکار را می‌توان پیدا کرد که به اندازه نهج‌البلاغه متنوع باشد؟

سخن نماینده روح است. سخن هر کس به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده‌اش به آنجا تعلق دارد. طبعاً سخنی که به چندین دنیا تعلق دارد نشانه روحیه‌ای است که در انحصار یک دنیای به خصوص نیست. و چون روح علی (ع) محدود به دنیایی خاص نیست، در همه دنیاها و جهان‌ها حضور دارد، و به اصطلاح عرفا انسان کامل و کون جامع و جامع همه حضرات و دارنده همه مراتب است، سخنش نیز به دنیایی خاص محدود نیست. از امتیازات سخن علی این است که به اصطلاح شایع عصر ما چند بُعدی است، نه یک بُعدی.

خاصیت همه‌جانبه بودن سخن علی و روح علی مطلبی نیست که تازه کشف شده

۱. شمس‌الدین أبوالمظفر یوسف بن قزّاوغلی (سبط ابن الجوزی)، تذکرة الخواص، مؤسسه

باشد، مطلبی است که حداقل از هزار سال پیش اعجاب‌ها را برمی‌انگیخته است. سید رضی که به هزار سال پیش تعلق دارد، متوجه این نکته و شیفته آن است، می‌گوید:

”از عجایب علی (ع) که منحصر به خود اوست و احدی با او در این جهت شریک نیست، این است که وقتی انسان در آن‌گونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبّه است تأمل می‌کند، و موقتاً از یاد می‌برد که گوینده این سخن، خود، شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه جا نافذ و مالک‌الرقاب عصر خویش بوده است، شک نمی‌کند که این سخن از آن کسی است که جز زهد و کناره‌گیری چیزی را نمی‌شناسد و کاری جز عبادت و ذکر ندارد، گوشه‌خانه یا دامنه‌کوهی را برای انزوا اختیار کرده، جز صدای خود چیزی نمی‌شنود و جز شخص خود کسی را نمی‌بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی‌خبر است. کسی باور نمی‌کند که سخنانی که در زهد و تنبّه و موعظه تا این حد موج دارد و اوج گرفته است، از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می‌رود، شمشیرش در اهتزاز است و آماده‌ربودن سر دشمن است، دلیران را به خاک می‌افکند و از دم تیغش خون می‌چکد، و در همین حال این شخص زاهدترین زهاد و عابدترین عباد است.“^۱

سید رضی آن‌گاه می‌گوید: ”من این مطلب را فراوان با دوستان در میان می‌گذارم و اعجاب آنها را بدین وسیله برمی‌انگیزم.“^۲

شیخ محمد عبده نیز تحت تأثیر همین جنبه نهج‌البلاغه قرار گرفته است، تغییر پرده‌ها در نهج‌البلاغه و سیر دادن خواننده به عوالم گوناگون بیش از هر چیز دیگر مورد توجه و اعجاب او قرار گرفته است، چنان‌که خود او در مقدمه شرح نهج‌البلاغه‌اش اظهار می‌دارد.

از همه این‌ها گذشته نکته جالب دیگر این است که علی (ع) با این‌که همه درباره معنویات سخن رانده است، فصاحت را به اوج کمال رسانیده است. علی از می و معشوق و یا مفاخرت و امثال این‌ها که میدان‌هایی باز برای سخن هستند، بحث نکرده است. بعلاوه او سخن را برای سخن و اظهار هنر سخنوری ایراد نکرده است. سخن

۱. مقدمه نهج‌البلاغه، صص ۳۵-۳۶.

۲. همان، ص ۳۶.

برای او وسیله بوده نه هدف. او نمی‌خواسته است به این وسیله یک اثر هنری و یک شاهکار ادبی از خود باقی بگذارد. بالاتر اینکه سخنش کلیت دارد، محدود به زمان و مکان و افرادی معین نیست. مخاطب او انسان است و به همین جهت نه مرز می‌شناسد و نه زمان. همه این‌ها میدان را از نظر شخص سخنور محدود و خود او را مقید می‌سازد. عمده جهت در اعجاز لفظی قرآن کریم این است که با این‌که یکسره موضوعات و مطالبش با موضوعات سخنان متداول عصر خود مغایر است و سرفصل ادبیات جدیدی است و با جهان و دنیایی دیگر سر و کار دارد، زیبایی و فصاحتش در حد اعجاز است. نهج البلاغه در این جهت نیز مانند سایر جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن است.^۱

نهج البلاغه چشمه‌ای است از خورشید حقیقت که رایحه وحی الهی و شمیم کلام نبوی از آن استشمام می‌شود. کتابی که دربرگیرنده حکمت‌های متعالی، قوانین راستین سیاسی، مواظظ نورانی، سلوک الهی، نظام تربیتی، آیین حکومتداری، سنت‌های تاریخی و عرفان حقیقی است.

روشهای مرور و مطالعه نهج البلاغه

به منظور مرور و مطالعه نهج البلاغه و سیر در معارف والای آن می‌توان به یکی از سه روش زیر یا ترکیبی از آنها عمل کرد:

۱. روش ترتیبی
۲. روش تجزیه‌ای
۳. روش موضوعی

روش ترتیبی

هدف از این روش مرور و غوری است به ترتیب از ابتدای نهج البلاغه تا انتهای آن و بررسی ترتیبی خطبه‌ها و سخنان، نامه‌ها و مکتوبات، حکمت‌ها و کلمات قصار آن حضرت، چنان‌که شارحان بزرگ نهج البلاغه بدین روش نهج البلاغه را شرح کرده‌اند،

چونان: ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به فرید خراسان، درگذشته به سال ۵۶۵ هجری، در معارج نهج البلاغه؛ قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبة‌الله بن حسن راوندی معروف به قطب راوندی، درگذشته به سال ۵۷۳ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری معروف به قطب‌الدین کیزری، از عالمان بزرگ شیعه قرن ششم، در حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه؛ علی بن ناصر سرخسی، از عالمان بزرگ قرن ششم، در أعلام نهج البلاغه؛ عزالدین عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید معتزلی، درگذشته به سال ۶۵۶ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، درگذشته به سال ۶۷۹ هجری، در شرح نهج البلاغه؛ مولی فتح‌الله کاشانی، درگذشته به سال ۹۸۸ هجری، در تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين؛ میرحبيب‌الله بن محمد خویی، درگذشته به سال ۱۳۲۴ هجری، در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه.

این شارحان بزرگ و گرانقدر هر یک با توجه به بینش و گرایش خود از منظری به نهج البلاغه نگریسته‌اند و هر یک به شرح و تفسیر و جوهی از این مجموعه پرداخته‌اند و با توجه به نوع دیدگاه خود برخی از جنبه‌ها را گسترده‌تر مطرح نموده‌اند.

سخنان امیرمؤمنان علی (ع) دارای وجوه گوناگون و جلوه‌ها و جاذبه‌های مختلف است و برای درک مفیدتر و همه جانبه آن بهتر است آن سخنان از زوایای مختلف و جهات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گیرد، از جمله:

۱. از جنبه لغت و ادب و بلاغت
۲. از جنبه قرآنی
۳. از جنبه تاریخی
۴. از جنبه اجتماعی و سیاسی
۵. از جنبه حقوقی
۶. از جنبه اعتقادی
۷. از جنبه فلسفی و عرفانی
۸. از جنبه تربیتی و تعلیمی
۹. از جنبه روانشناسی فردی و اجتماعی
۱۰. از جنبه اقتصادی و مالی

۱۱. از جنبه حکومتی و مدیریتی

۱۲. از جنبه فقهی

۱۳. از جنبه تفسیری

۱۴. از جنبه اخلاقی

و از جوانب دیگر که هر بخش از کلام امام (ع) دارای جنبه‌هایی از موارد ذکر شده و ذکر نشده است.

روش تجزیه‌ای

در این روش بخشی یا جزئی از نهج البلاغه یا برخی خطبه‌ها و سخنان، یا نامه‌ها و مکتوبات، یا حکمت‌ها و کلمات قصار گزینش می‌شوند و مورد بررسی و شرح قرار می‌گیرند. این روش همانند روش ترتیبی است، با این تفاوت که بخشی یا جزئی مورد بررسی و شرح واقع می‌شود. طبیعی است که آن بخش یا جزء را می‌توان از جنبه‌ها و جهات مختلف مورد تأمل و دقت قرار داد و از آن درس آموخت و بدان هدایت یافت. مزیت عمده این روش آن است که می‌توان خطبه، نامه، یا حکمت مورد نیاز را مطالعه و غور کرد و زمانی طولانی برای مرور نیاز نیست، در حالی که مرور و مطالعه ترتیبی زمان بسیار می‌طلبد.

روش موضوعی

در این روش، موضوعی خاص مورد نظر قرار می‌گیرد و به نهج البلاغه عرضه می‌شود و کلیه مطالبی که مستقیم یا غیر مستقیم موضوع مورد نظر را تبیین می‌نماید، بررسی می‌شود و دسته‌بندی می‌گردد و جمع‌بندی آن مطالب ارائه می‌شود. بدین ترتیب می‌توان مباحث مختلف تربیتی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را مورد بررسی قرار داد. از مزیت‌های این روش آن است که کم‌تر دچار پراکندگی موضوعی می‌شود و می‌توان به جمع‌بندی در موضوعی خاص دست یافت و جوانب مختلف یک موضوع را مورد بررسی قرار داد و تبیینی نسبتاً کامل درباره یک موضوع انجام داد. با این روش می‌توان به نظریات و دیدگاه‌های امام علی (ع) - تجسم اسلام ناب و جامع - درباره موضوعی خاص پی برد و با روش و سیره آن حضرت در موضوعات مورد نظر آشنا شد.

در این روش سخنان و مواضع امام (ع) - که از موارد گوناگون استخراج می‌شود - یکدیگر را معنا و تفسیر می‌کنند و جهت صحیح را در برداشت از نهج البلاغه نشان می‌دهند، زیرا نهج البلاغه مجموعه‌ای یکپارچه و پیکری واحد است که سراسر آن هماهنگ، و ابتدا و انتهای آن یکسان است؛^۱ به بیان ابن ابی‌الحدید معتزلی:

«اگر کسی با تأمل و دقت در نهج البلاغه بیندیشد، همه آن را آبی زلال از یک سرچشمه، برخوردار از یک روح و جوهر، و دارای یک طرز و سبک می‌یابد، عیناً مانند جسمی ساده و بسیط که هیچ جزء آن در ماهیت با دیگر اجزاء اختلافی ندارد؛ همانند قرآن کریم که اول آن چون وسط آن، و وسط آن مانند آخر آن است، و همه سوره‌ها و کُلّ آیات آن در سرچشمه و روش و طریقه و فن و سیاق و بافت، مانند هم و یکسان و یکپارچه‌اند.»^۲

این ویژگی بی‌نظیر و شگفت نهج البلاغه، زمینه لازم را برای مراجعه موضوعی و مطرح کردن درد و مشکل، و گرفتن درمان و راه‌حل، آماده ساخته است. البته در روش موضوعی از آثار انجام یافته به دو روش دیگر بی‌نیاز نیستیم و آن‌ها به عنوان ابزارهای کمکی این روش را یاری می‌دهند.

۱. در استفاده از نهج البلاغه به روش موضوعی و دیگر روش‌ها، لازم است در هر موضوع خانواده حدیث در آن موضوع نیز دیده شود تا خطای احتمالی در فهم تا حدّ ممکن کاهش یابد.

۲. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۰، صص ۱۲۸-۱۲۹.

« الف »

١. الاحتجاج على أهل اللجاج، أبو منصور احمد بن على بن أبى طالب الطبرسى (از عالمان قرن ششم)، نشر المرتضى، مشهد، ١٤٠٣ ق.
٢. الأخبار الطوال، أبوحنيفة احمد بن داود الدينورى (ت ٢٨٢ ق)، تحقيق عبدالمنعم عامر، الطبعة الاولى، دار احياء الكتب العربية، القاهرة، ١٩٦٠ م.
٣. اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ف ٤٦٠ ق)، صححه و علّق عليه و قدّم له حسن المصطفوي، انتشارات دانشگاه مشهد، ١٣٤٨ ش.
٤. الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، أبو عبدالله محمد بن النعمان البغدادي الملقّب بالمفيد (ت ٤١٣ ق)، صحّحه و أخرجه السيّد كاظم الموسوى المياموى، دار الكتب الاسلامية، طهران، ١٣٧٧ ق.
٥. أساس البلاغة، جارا الله محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٣٨ ق)، دار بيروت للطباعة و النشر، بيروت، ١٤٠٤ ق.
٦. الاستيعاب فى اسماء الاصحاب، يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر القرطبي المالكي (ت ٤٨٣ ق)، بهامش الاصابة، دار الكتاب العربى، بيروت.
٧. اسد الغابة فى معرفة الصحابة، عز الدين أبو الحسن على بن محمد المعروف بابن الاثير (ت ٦٣٠ ق)، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق.
٨. أعيان الشيعة، السيّد محسن الامين العاملى (ت ١٣٧١ ق)، دار التعارف، بيروت.

٩. الامامة و السياسة، أبو محمد عبدالله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ت ٢٧٦ ق)، مكتبة الحلبي، مصر، ١٣٨٨ ق.
١٠. الامالي، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ف ٤٦٠ ق)، قدّم له السيّد محمد الصادق بحر العلوم، المطبعة الحيدرية، النجف.
١١. الامالي، أبو عبدالله محمد بن النعمان البغدادي الملقّب بالمفيد (ف ٤١٣ ق)، منشورات جماعة المدرسين، قم، ١٤٠٣ ق.
١٢. أنساب الاشراف، أبو الحسن احمد بن يحيى البلاذري (ت ٢٧٩ ق) حقّق و قدّم له سهيل زكّار، رياض زركلي، الطبعة الاولى، دار الفكر، بيروت، ١٤١٧ ق.

« ب »

١٣. بحار الانوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسي (ت ١١١٠ ق)، الطبعة الثالثة، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٠٣ ق.
١٤. البداية و النهاية، أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي (ت ٧٧٤ ق)، تحقيق على شبري، الطبعة الاولى، دار احياء التراث العربي، بيروت.
١٥. بلاغات النساء، أبو الفضل احمد بن أبي طاهر المروزي (ابن طيفور) (ت ٢٨٠ ق)، المكتبة المرتضوية، النجف، ١٣٦١ ق.
١٦. بهج الصباغة في شرح نهج البلاغة، محمد تقى التستري (ت ١٣٧٤ ش)، الطبعة الاولى، دار امير كبير للنشر، ١٤١٨ ق.
١٧. بيست گفتار، مرتضى مطهرى (ت ١٣٥٨ ش)، انتشارات صدرا، ١٣٥٨ ش.

« پ »

١٨. پرتوی از نهج البلاغه، سيّد محمد مهدى جعفرى، پژوهش و برگردان و ويراستارى با استفاده از ترجمه سيّد محمود طالقانى، چاپ اوّل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٧٢ ش.

« ت »

١٩. تاريخ الادب العربى، كارل بروكلمان (ت ١٩٦٥ م)، نقله الى العربية عبدالحليم النجار، الطبعة الثانية، افست دار الكتاب الاسلامى، قم.

٢٠. تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ٤٦٣ ق)، دار الكتاب العلمية، بيروت.
٢١. تاريخ الرسل والملوك (تاريخ الطبري)، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ ق)، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، الطبعة الرابعة، دار المعارف، القاهرة، ١٩٧٩ م.
٢٢. تاريخ مدينة دمشق، أبو القاسم علي بن الحسن المعروف بابن عساكر (ف ٥٧١ ق)، تحقيق علي شيرى، الطبعة الاولى، دارالفكر، بيروت، ١٤١٥ - ١٤١٩ ق.
٢٣. تاريخ اليعقوبى، أحمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن واضح اليعقوبى (ت ٢٨٤ ق)، دار صادر، بيروت.
٢٤. تحف العقول عن آل الرسول، أبو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن شعبة الحراني (از عالمان قرن چهارم)، مكتبة بصيرتى، قم، ١٣٩٤ ق.
٢٥. تذكرة الخواص، شمس الدين أبوالمظفر يوسف بن قز أوغلى (سبط ابن الجوزى) (ت ٦٥٤ ق)، مؤسسه اهل البيت، بيروت، ١٤٠١ ق.
٢٦. تفسير موضوعى نهج البلاغه، مصطفى دلشاد تهرانى، چاپ اول، دفتر نشر معارف، ١٣٨٣ ش.
٢٧. تهذيب التهذيب، أحمد بن علي ابن حجر العسقلانى (ف ٨٥٢ ق)، دارالفكر، بيروت.
٢٨. تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، جمال الدين أبو الحجاج يوسف المزي (ف ٧٤٢ ق)، تحقيق بشار عوّد معروف، مؤسسه الرسالة، بيروت، ١٤٠٦ ق.

« ج »

٢٩. الجمل و النصره لسيد العترة فى حرب البصرة، أبو عبدالله محمد بن النعمان البغدادي الملقب بالمفيد (ت ٤١٣ ق)، تحقيق السيد علي ميرشريفى، الطبعة الاولى، مكتب الاعلام الاسلامى، قم، ١٤١٣ ق.

« ح »

٣٠. الحياه، محمدرضا الحكيمى، محمد الحكيمى، علي الحكيمى، ج ٣، الطبعة الاولى، مكتب النشر الثقافه الاسلاميه، طهران، ١٤٠٨ ق.

« خ »

٣١. الخصال، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمى (الصدوق) (ت ٣٨١ ق)، صححه و علّق عليه علي اكبر الغفارى، مكتبة الصدوق، طهران، ١٣٨٩ ق.

٣٢. خصائص أمير المؤمنين على بن أبي طالب عليه السلام، أبو الحسن محمد بن الحسين الموسوي (الشریف الرضی) (ت ٤٠٦ ق)، الطبعة الثانية، منشورات الرضی، قم، ١٣٦٣ ش.

« د »

٣٣. دائرة المعارف القرن العشرين، محمد فريد بن مصطفى وجدی (ت ١٣٧٣ ق)، دار الفكر، بيروت، ١٣٩٩ ق.

٣٤. در پیرامون نهج البلاغه، سیّد هبة الدين شهرستاني (ت ١٣٨٦ ق)، ترجمه سیّد عباس میرزاده اهری، چاپ سوم، بنیاد نهج البلاغه، ١٣٥٩ ش.

٣٥. الدرجات الرفیعة فی طبقات الشيعة، السيّد علی خان المدنی الشيرازی (ت ١١٢٠ ق)، الطبعة الثانية، مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.

٣٦. الدر المنثور فی التفسير بالمأثور، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطی (ف ٩١١ ق)، افست مكتبة المرعشي النجفی، قم، ١٤٠٤ ق.

٣٧. دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم، أبو عبدالله محمد بن سلامة القضاعي (ت ٤٥٤ ق)، قدّم له السيّد عبدالزهراء الحسيني الخطيب، الطبعة الاولى، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠١ ق.

٣٨. دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام، أبو حنيفة النعمان بن محمد التميمي المغربي (ت ٣٦٣ ق)، تحقيق أصف علی اصغر فيضی، دار المعارف، القاهرة، ١٢٨٩ ق.

٣٩. ديوان الشريف الرضی، أبو الحسن محمد بن الحسين الموسوي (الشریف الرضی) (ت ٤٠٦ ق)، الطبعة الاولى، وزارة الارشاد الاسلامی، ١٤٠٦ ق.

« ر »

٤٠. رستگاری در پرتو امامت (ترجمه النجاة فی القيامة فی تحقيق امرالامامة)، كمال الدين ميثم بن علی بن ميثم بحرانی (ف ٦٧٩ ق)، ترجمه سيّد ابوالحسن مخزن موسوي، چاپ اول، انتشارات بين المللی الهدی، ١٣٨٥ ش.

٤١. روضات الجنّات فی احوال العلماء و السادات، محمدباقر الخوانساری (ت ١٣١٣ ق)، الطبعة الاولى، الدار الاسلامية، بيروت، ١٤١١ ق.

« س »

۴۲. سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خيرالعباد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى (ف ۹۴۲ ق)، تحقيق عادل احمد عبدالموجود، على محمد معوض، الطبعة الاولى، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۳. السقيفة و فذك، أبوبكر احمد بن عبدالعزيز الجوهوى (ت ۳۲۳ ق)، رواية عزّالدين عبدالحميد بن هبة الله ابن أبى الحديد المعتزلى، تقديم و جمع و تحقيق محمد هادى الامينى، مكتبة نينوى الحديثة، طهران.

۴۴. سير أعلام النبلاء، شمس الدين أبو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان الذهبى (ت ۷۴۸ ق)، اشرف على تحقيق الكتاب و خرّج أحاديثه شعيب الأرناؤوط، الطبعة الثامنة، بيروت، ۱۴۱۲ ق.

۴۵. سیری در نهج البلاغه، مرتضى مطهرى (ت ۱۳۵۸ ش)، چاپ دوم، انتشارات عين الهی، ۱۳۵۸ ش.

« ش »

۴۶. شرح الأخبار فى فضائل الائمة الأطهار، أبو حنيفة النعمان بن محمد التميمى (ف ۳۶۳ ق)، تحقيق السيد محمد الحسينى الميلائى، الطبعة الثانية، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ۱۴۱۴ ق.

۴۷. شرح غررالحكم و دررالکلم، جمال الدين محمد خوانسارى (ت ۱۱۲۵ ق)، با مقدمه و تصحيح و تعليق ميرجلال الدين حسينى أرموى، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش.

۴۸. شرح نهج البلاغه، عزّالدين عبدالحميد بن هبة الله ابن أبى الحديد المعتزلى (ت ۶۵۶ ق)، بتحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم، الطبعة الاولى، دار احياء الكتب العربية، مصر، ۱۳۷۸ ق.

۴۹. شرح نهج البلاغه، كمال الدين ميثم بن على بن ميثم البحرانى (ت ۶۷۹ ق)، دفتر تبليغات اسلامى، قم، ۱۳۶۲ ش.

۵۰. شرح نهج البلاغه، محمد عبده، (ت ۱۳۲۳ ق) الطبعة الاولى، دار البلاغه، بيروت، ۱۴۰۹ ق.

« ص »

۵۱. صحيفة نور، مجموعه رهنمودهاى امام خمينى، امام روح الله موسى خمينى (ت ۱۳۶۸ ش) چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۶۱-۱۳۷۱ ش.

۵۲. الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، زين الدين أبو محمد على يونس العاملى النباطى البياضى (ف ۸۷۷ ق)، صحّحه و حقّقه و علّق عليه محمد الباقر البهردى، الطبعة الاولى، المكتبة المرتضوية،

« ط »

٥٣. الطبقات الكبرى، أبو عبد الله محمد بن سعد (ف ٢٣٠ ق)، دار بيروت للطباعة والنشر، بيروت، ١٤٠٥ ق.
٥٤. طلب و اراده، امام روح الله موسى خميني (ت ١٣٦٨ ش)، ترجمه و شرح سيد احمد فهري، مركز انتشارات علمي و فرهنگي، ١٣٦٢ ش.

« ع »

٥٥. عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب، جمال الدين احمد بن علي الحسيني المعروف بابن عنبّة (ت ٨٢٨ ق)، اشرف على مراجعته و مقابلة الاصول لجنة احياء التراث، دار مكتبة الحياة، بيروت.

« غ »

٥٦. الغارات، أبو اسحاق ابراهيم بن محمد الكوفي المعروف بابن هلال الثقفي (ت ٢٨٣ ق)، حَقَّقَه و عُلِّقَ عليه السيد عبد الزهراء الحسيني الخطيب، الطبعة الاولى، دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٧ ق.
٥٧. غرر الحكم و درر الكلم، عبد الواحد التميمي الأمدي (ت ٥٥٠ ق)، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٧ ق.
٥٨. غريب الحديث، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ف ٢٧٦ ق)، تحقيق عبد الله الجبوري، الطبعة الاولى، دار الكتب العلمية، قم، ١٤٠٨ ق.

« ف »

٥٩. الفائق في غريب الحديث والاثار، جلال الله محمود بن عمر الزمخشري (ف ٥٣٨ ق)، الطبعة الاولى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٧ ق.
٦٠. الفتوح، أبو محمد احمد بن أعثم الكوفي (ت ٣١٤ ق)، دار الندوة الجديدة، بيروت.
٦١. الفصول المختارة من العيون والمحاسن، أبو القاسم علي بن الحسين الموسوي (الشريف المرتضى) (ف ٤٣٦ ق)، تحقيق السيد علي مير شريف، الطبعة الثانية، دار المفيد، بيروت، ١٤١٤ ق.
٦٢. الفهرست، محمد بن اسحاق النديم (ت ٣٨٠ ق)، طبع تجدد، تهران، ١٣٩٣ ق.

« ق »

۶۳. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ اول، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.

۶۴. قرارداد اجتماعی، ژان ژاک روسو (ت ۱۷۷۸ م)، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، چاپ چهارم، انتشارات شرکت سهامی چهر، ۱۳۴۱ ش.

« ک »

۶۵. الکافی، أبو جعفر محمد بن یعقوب الكليني (ت ۳۲۹ ق)، صححه و علّی عليه علی اکبر الغفاری، دار الكتب الاسلامیة، طهران، ۱۳۸۸ ق.

۶۶. الکامل فی التاریخ، عزالدین أبو الحسن علی بن محمد المعروف بابن الاثیر (ت ۶۳۰ ق)، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق.

۶۷. الکامل فی اللغة و الادب، أبو العباس محمد بن یزید بن عبد اکبر الثمالی الازدی المعروف بالمبرّد (ت ۲۸۶ ق)، الطبعة الاولى، مؤسسة المعارف، بیروت.

۶۸. کتاب البیع، الامام روح الله الموسوی الخمينی (ت ۱۳۶۸ ش)، مطبعة مهر، قم.

۶۹. کتاب الرجال، أبو جعفر احمد بن أبی عبد الله البرقی (از عالمان قرن چهارم)، تصحیح السيد كاظم الموسوی الميامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.

۷۰. كشف المحجة لثمرة المهجة، رضى الدين أبو القاسم علی بن موسى ابن طاووس (ت ۶۶۴ ق)، تحقيق محمد الحسنون، الطبعة الاولى، مركز النشر، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق.

۷۱. كشف الغمّة فی معرفة الائمّة، أبو الحسن علی بن عيسى الاربلى (ف ۶۹۳ ق)، مكتبة بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ ق.

۷۲. کلیات شیخ سعدی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی (ت در فاصله ۶۹۱-۶۹۵ ق)، به تصحیح محمد علی فروغی، مؤسسه مطبوعاتی، علمی، تهران.

۷۳. كنز العمال فی أحاديث الأقوال و الأفعال، علاء الدین بن حسام الدین المتقى الهندی (ت ۹۷۵ ق)، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۷۴. كنز الفوائد، محمد بن علی بن عثمان الكراچكى (ت ۴۴۹ ق)، تحقيق عبدالله نعمة، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۷۵. الكنى و الالقاب، عباس بن محمدرضا القمى (ت ۱۳۵۹ ق)، الطبعة الحيدرية، النجف، ۱۳۷۶ ق.

« م »

٧٦. مروج الذهب و معادن الجواهر، أبو الحسن على بن الحسين المسعودي (ت ٣٤٦ ق)، دار الاندلس، بيروت.

٧٧. المستدرك على الصحيحين، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (ف ٤٠٥ ق)، دارالمعرفة، بيروت.

٧٨. مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى النورى الطبرسى (ت ١٣٢٠ ق)، الطبعة الثانية، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، بيروت، ١٤٠٨ ق.

٧٩. المسترشد فى امامة أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام، أبو جعفر محمد بن جرير بن رستم الطبرى الامامى (از عالمان قرن چهارم)، تحقيق احمد المحمودى، الطبعة الاولى، مؤسسة الثقافة الاسلامية، طهران، ١٤١٥ ق.

٨٠. مشاكلة الناس لزمانهم، احمد بن أبى يعقوب بن جعفر بن واضح اليعقوبى (ت ٢٨٤ ق)، الطبعة الاولى، دار الكتاب الجديد، بيروت.

٨١. مصادر نهج البلاغة و أسانيده، السيد عبد الزهراء الحسينى الخطيب (ف ١٩٩٣ م)، الطبعة الثانية، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٣٩٥ ق.

٨٢. المصنّف فى الأحاديث و الآثار، أبوبكر عبد الله بن محمد بن أبى شيبة (ف ٢٣٥ ق)، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، الطبعة الاولى، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق.

٨٣. معجم الادباء، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت الحموى (ت ٦٢٦ ق)، دار احياء التراث العربى، بيروت.

٨٤. معجم البلدان، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت الحموى (ت ٦٢٦ ق)، دار بيروت للطباعة و النشر، بيروت، ١٤٠٨ ق.

٨٥. المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن احمد الطبرانى (ف ٣٦٠ ق)، حققه و خرّج أحاديثه حمدى عبد المجيد السلفى، الطبعة الثانية، مكتبة ابن تيمية، القاهرة، ١٤٠٤ ق.

٨٦. المناقب، أبو المؤيد الموفق بن احمد الحنفى المعروف بأخطب خوارزم (الخوارزمى) (ت ٥٦٨ ق)، قدّم له محمدرضا الموسوى الخراسان، مكتبة نينوى الحديثة، طهران.

٨٧. مناقب آل أبى طالب، أبو جعفر محمد بن على بن شهر آشوب (ت ٥٨٨ ق)، دار الاضواء، بيروت، ١٤٠٥ ق.

٨٨. المنتظم فى تاريخ الامم و الملوك، أبو الفرج عبد الرحمن بن على ابن الجوزى (ت ٥٩٧ ق)، دراسة و تحقيق محمد عبد القادر عطا، مصطفى عبد القادر عطا، راجعه و صحّحه نعيم زرزور، الطبعة

الاولى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٢ ق.

٨٩. الميزان فى تفسير القرآن، السيّد محمد حسين الطباطبائى (ت ١٣٦٠ ش)، دار الكتاب الاسلامى، قم، ١٣٩٣ ق.

« ن »

٩٠. النشر الفنى فى القرن الرابع، زكى مبارك، الطبعة الثانية، مكتبة السعادة، القاهرة.
٩١. النهاية فى غريب الحديث والاثر، مجد الدين أبوالساعات المبارك بن محمد المعروف بابن الاثير الجزرى (ف ٦٠٦ ق)، تحقيق طاهر احمد الزاوى، محمود محمد الطناحى، چاپ چهارم، افست انتشارات اسماعيليان، قم، ١٣٦٤ ش.
٩٢. نهج البلاغه، أبو الحسن محمد بن الحسين الموسوى (الشريف الرضى) (ت ٤٠٦ ق)، ضبط نصّه و ابتكر فهرسه العلمية صبحى الصالح، الطبعة الاولى، بيروت، ١٣٨٧ ق.
٩٣. ———، ترجمه سيّد جعفر شهيدى، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامى، ١٣٦٨ ش.
٩٤. ———، خورشيد بى غروب، ترجمه و تأليف عبدالمجيد معادىخواه، چاپ اول، نشر ذره، ١٣٧٤ ش.
٩٥. نهج السعادة فى مستدرک نهج البلاغه، محمدباقر المحمودى (ف ١٣٨٥ ش)، الطبعة الاولى، مؤسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة والارشاد الاسلامى، تهران، ١٣٧٦ - ١٣٨٣ ش.

« و »

٩٦. الوافى بالوفيات، صلاح الدين خليل بن ابيك الصفدى (ف ٧٦٤ ق)، دارالنشر فرانز شتاينز بقيسبادن، ١٤٠١ ق.
٩٧. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (ت ١١٠٤ ق)، بتصحيح و تحقيق و تذييل عبدالرحيم الرئانى الشيرازى، دار احياء التراث العربى، بيروت.
٩٨. وقعة صفين، أبو الفضل نصر بن مزاحم المنقرى (ت ٢١٢ ق)، تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون، افست مكتبة المرعشى النجفى، قم، ١٤٠٣ ق.
٩٩. وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، شمس الدين أبو العباس احمد بن محمد بن خلّكان (ت ٦٨١ ق)، تحقيق احسان عباس، دار الثقافة، بيروت.
١٠٠. ولايت فقيه، امام روح الله موسوى خمينى (ت ١٣٦٨ ش)، چاپ دوم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، ١٣٧٣ ش.

« ی »

١٠١. یتیمۃ الدّھر فی محاسنِ أهل العصر، أبو منصور عبد الملک بن محمد بن اسماعیل الثعالبی (ت ٤٢٩ ق)، شرح و تحقیق مفید محمد قمیحة، الطبعة الثانية، دار الکتب العلمیة، بیروت، ١٤٠٣ ق.

حکومتِ حکمت عنوانی است برای مروری در مهم ترین مباحث حکومتی در نهج البلاغه که این مباحث جلوه حکومتی است که بر پایه حکمت استوار بود و نوید بخش آزادی، برابری، دادگری و آسودگی برای همگان بود.

مباحث حکومتی در نهج البلاغه، مباحثی صرفاً نظری و اندیشه‌هایی انتزاعی نیست، بلکه گویای اندیشه و سیره انسانی است که همه دوران نوجوانی و جوانی و سالخوردگی خود را در راه تحقق حکومتِ حکمت گذرانده و برای آن مبارزه کرده است. این مبارزه سخت برای برداشتن موانع حریت و عبودیت و تحقق حکومتِ حکمت و فراهم نمودن عدالت، رفاهت، مساوات و اخوت در سایه حکومتی خردمندانه و حکیمانه بود.

حکومت کوتاه اما حکیمانه و عدالت خواهانه علی (ع) در این جهت بود که نشانه‌های دین و دینداری در جامعه ظهور یابد و عمران و آبادی در همه جا رخ نماید و مردمان در سایه امنیت و عدالت و رفاهت به سوی عبودیت گام بردارند.

نقطه مقابل حکومتِ حکمت، حکومت جهالت و ضلالت است، حکومت نابخردان و نابکاران است که خود بزرگ ترین و سخت ترین مانع اجتماعی و سیاسی بالندگی مردمان است. امیرالمؤمنان علی (ع) در تمام دوران حکومت خود با مبانی فکری چنین حکومتی و با راه و رسم چنین مدیریتی مبارزه کرد و تلاش نمود تا مبانی فکری حکومتِ حکمت و سیرت نیکوی آن را جلوه دهد.

